

روانشناسی اجتماعی (فصل ۱)

دکتر شاهپور احمدی

مقدمه

- **تعریف روانشناسی -** اشاره به انواع آن - نو پا بودن - از علوم دیگر استفاده می کند
- **تعریف روانشناسی اجتماعی:** تعاریف متعددی ازش شده در کل میتوان گفت عبارت است از: مطالعه تاثیر فرایندهای اجتماعی و شناختی به شیوه های درک ، نفوذ و ارتباط افراد با دیگران است.

موارد مهم این تعریف

1. روانشناسی اجتماعی علم است یا هنر؟
2. **تعریف علم:** مجموعه ای از اطلاعات بدست آمده از طریق روش های منطقی و منظم تحقیق را علم می گویند. پس می شود گفت علم است.
- **ارونسون** می گوید: روانشناسی اجتماعی هنر را برای غنای علم خود بکار می گیرد.

1. فرایندهای اجتماعی

- به کنشهای متقابل میان مردم گفته می شود که در چارچوب ساختار جامعه به اشکال معینی صورت می گیرد. —یعنی تاثیری که اطرافیان ما اعم از فرهنگ، آموزه های والدین، دوستان و بر می دارند.

فرایندهای شناختی

- شیوه‌هایی که هر یک از خاطرات، ادراکات، افکار، عواطف و انگیزه‌هایمان بر فهم ما تاثیر می‌گذارد.
- روانشناسی اجتماعی به دنبال علل رفتارهای اجتماعی است. کودک غیر اجتماعی بدنیا می‌آید. رفتارهای اجتماعی شامل: احساسات، واکنش‌ها و اندیشه‌های آدمی در فرایندهای اجتماعی است.

دو نکته بنیادی در باره رفتار اجتماعی

1. رفتار هم تابع فرد است و هم تابع موقعیت (یک موقعیت اما شیوه های مختلف)
2. مردم تنها به ویژگی های عینی یک موقعیت واکنش نشان نمی دهند. (تعبیر و تفسیر های ذهنی از موقعیت هم هست)

علل و عوامل شکل گیری رفتار اجتماعی

1. رفتار و منش دیگران
2. شناخت اجتماعی (اندیشه ها و باورها، خاطره ها و استدلال های فرد در مورد دیگران)
3. متغیرهای محیطی (آب و هوا، ازدحام، آلودگیها)
4. عوامل فرهنگی و اجتماعی (ارزشها و هنجارها)
5. عوامل زیست شناختی (جنبه های ظاهری و شناختی)

چرا مطالعه روانشناسی اجتماعی لازم است

1. شناخت روابط انسانی و پیوند های زندگی گروهی

○ انسان موجودی اجتماعی است

- بر این اساس **دور کنیم** می گوید خودکشی بیش از آنکه برآمده از تنگدستی، بیماری یا حتی نقص عضو باشد از کاهش همبستگی بین فرد و دیگران سرچشمه می گیرد.

○ سست شدن روابط اجتماعی باعث شیوع طلاق، خودکشی و روسپیگری و دیگر آسیب ها می شود.

2. راهگشای انسان رهایی از پيشداوری و تبعیض نژادی

○ کمک می کند انعطاف داشته باشیم و داوری خودمان را اصلاح کنیم (مثل شهادت شهود) در حوزه های نوینی مثل پزشکی و کار هم پر کاربرد است.

○ بینش، نگاه نو یافتن نسبت به مسائل و مشکلات روانی اجتماعی نگاه ما را اصلاح می کند به قضایای اجتماعی و محیطی (بر تبیین های ما از رفتار دیگران اثر می گذارد)

پیشگامان روانشناسی اجتماعی

1. **افلاطون:** انسان دارای هیچ اراده و قدرت فردی نیست و مثل سنگ ریزه های که جریان عظیم رودخانه (جامعه) او را باخود می برد.
 2. **ارسطو:** ارونسون او را نخستین روانشناس اجتماعی می داند که اصول اساسی نفوذ اجتماعی و متقاعد سازی را تنظیم کرد. جمله او: **با گفتار نیک مردان ما آسانتر و کاملتر از دیگران باور می کنیم**
- ارسطو بیشتر متوجه فرد و سعادت اوست و جامعه سعادت مند را جمعیتی از افراد سعادت مند می داند.
- می گوید: مردمانی که ما پیش آنها احساس شرم می کنیم آنهایی هستند که نظر آنها در مورد ما برایمان مهم است.

ابن خلدون

1. وی به پدیده ای به نام روان اجتماعی یا روانشناسی قومی معتقد است --- اشاره به شهر نشینان و بادیه نشینان دارد.
2. از ویژگی های بادیه نشینان **عصبیت** است که پیوند دهنده افراد است محیط های طبیعی و اجتماعی تاثیر بسیار زیادی بر ساختار شخصیت انسان دارد.
3. این محیط است که بادیه نشینان را سرسخت و شهر نشینان را آرام و رفاه طلب کرده

دوره معاصر

○ **توماس هابز:** همه انسانها برابرند و هیچ تمایلی به گرد هم آمدن و تجمع ندارند و روحیه آنها جنگ و ستیز است.

– انسان گرگ انسان است

– هر کس در فکر ضربه زدن به دیگری است و در صدد تامین منافع خویش است. انگیزه مهم آدمها رغبت و نفرت است.

○ **روسو**

– نظری متضاد هابز دارد. می گوید انسان در حالت طبیعی ذاتا خوب، بی غرض و پاک نهاد . عیب و نقصی اگر هست ناشی از اثر تمدن است.

چهارتفنگدار روانشناسی اجتماعی

1. گابریل تارد و نظریه تقلید

- می گوید کلید اسرار اجتماع **تقلید** است.
- به روابط **میان فردی** اهمیت می دهد. برخلاف دورکیم که به جامعه و اثرگذاری آن اشاره دارد.
- **تارد** همه چیز را در **فرد** خلاصه می کند.

مک دوگال و نظریه غرایز آدمی

- می گوید مسئله اساسی روان شناسی اجتماعی اخلاقی کردن فرد توسط جامعه است چرا که طبیعت آدمی از غرایز و تمایلاتی شکل گرفته که محرک آدم هاست اما در جامعه تعدیل می شود. مثل غریزه ستیزه جویی که به رقابت و تمدن و پیشرفت سوق پیدا می کند. یا تمایل به تولید مثل که رضایت به تشکیل خانواده و خویشاوندی منجر می شود
- بعد ها توسط رفتار گراها از جمله واتسون انتقاد شد. اینکه هیچ غریزه و استعداد ارثی در کار نیست و هر چیز محصول شرطی شدن است.

1. گوستاو لوبون

- کتابی دارد به نام «روانشناسی توده ها»
- به رفتار گروهی و سلطه روحی اکثریت اشاره دارد.
- می گوید فرد در توده و جمع استقلال خود را از دست می دهد و تلقین پذیری و شدیدتر می شود
- می گوید زنان و برخی نژادها بیشتر تلقین پذیرند مثل جماعت های لاتین

1. هربرت مید و نظریه خود در جامعه

- روانشناسی اجتماعی رشته ای است که رفتار خود در چهار چوب فرایند اجتماعی شدن بررسی می شود.
- رفتار فرد را می توان از فهم رفتار کلی گروه اجتماعی اش دریافت
- روانشناسی اجتماعی مید رویکردی است به تجربه از دیدگاه خود
- می گوید **خود** از تقلید صرف آغاز می کند بعد ایفای نقش های دیگران در قبال خود را درونی می کند و همانگونه که به چشم دیگران دیده می شود خود را در می یابد و این نقش پذیری یک جنبه اساسی در رشد و تحول کودک است.

رویکردهای اخیر (تاریخ روانشناسی اجتماعی)

1. رویکرد مقایسه‌ای

- اشاره دارد باید از یافته‌های عمومی مثل جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی یاد بگیریم مثل آنچه مارگارت مید با مطالعه رسیدن به بلوغ را در جامعه ساموا با آمریکا مقایسه کرد.

رویکرد تجربی

- تاکید دارد بر تحقیقات تجربی
- نخستین فرد در این رابطه **نرمن تریپلیت** مطالعه رکوردهای دوچرخه سواران

رویکرد کاربردی

- اکثر مشکلات اجتماعی اند و باید زمینه های آن مطالعه شود و بطریق علمی کشف و جهت استفاده کاربردی ارائه شود
- این علم با مطالعه در عرصه های مختلف از جمله تعلیم و تربیت ، سیاست، تبلیغات می تواند راهبرد ارائه دهند.